



منطقه ۷

گروه جهادی شهید محمدعلیزاده یزدی
به اهالی محله زارعین خدمات رایگان
بهداشتی و درمانی ارائه کرد

بنویس: خادم امام رضا(ع) و دیگر هیچ

حمیده صفائی در راهرو ورودی مسجد در صفی طولانی ایستاده اند تا بتوانند نوبت بگیرند. راهرو مسجد بی شباهت به سالن انتظار درمانگاه نیست. همان ابتدای ورود هم نگاهمان به صندلی های دور تادور مسجد می افتد که ساکنان محله در انتظار رسیدن نوبتشان روی آن ها نشسته اند؛ کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد....

ساکنان محله زارعین از صبح زود با امید به استقبال جهادگران درمانی آمده اند تا شاید بتوانند درد خود را دوا کنند. بیشتر مراجعه کنندگان زن هستند که اغلب با فرزندان شان آمده اند تا ویزیت شوند. اینجا مسجد امام رضا(ع) است. در هر قسمت مسجد، یک میز و دو صندلی گذاشته اند که حکم اتاق پزشک را دارد. طبقه بالا هم ویژه بانوانی است که می خواهند به ماما مراجعه کنند. آشپزخانه مسجد به داروخانه اختصاص داده شده است تا بیماران بتوانند از پنجره روبه حیاط آن، داروهایشان را بگیرند. شش میز پذیرش در همان طبقه همکف به چشم می خورد؛ جلومیزهای پذیرش مرتب پرو خالی می شود. هر ساعت که می گذرد، افراد بیشتری مراجعه می کنند. وقتی از آن ها می پرسیم از کجا متوجه شده اند که این گروه جهادی آمده است، می گویند از همسایگان یا بستگان شنیده اند. ظاهر آوازه این کار انسان دوستانه به گوش اهالی محله رسیده است. آن ها می دانند گروه جهادی شهید محمدعلیزاده یزدی، «موکب بهداشتی و درمانی خدام ائمه(ع)»، خدمات بهداشتی و درمانی رایگان به آن ها ارائه می کند.



مسکنی بر درد مردم

یکی از ساکنان محله زارعین با استقبال از این طرح می گوید: شاید به نظر شما این یک برنامه ساده باشد. اما برنامه های درمانی جهادی در محلات حاشیه شهر، خدماتی اورژانسی برای ماست. در این محلات اغلب مردم کارگر هستند و بیمه ندارند. بیشتر مردم برای تهیه مایحتاجشان مانده اند، چه رسد به هزینه های درمانی. حضور این گروه بهترین فرصت است تا پیش دکتر بیایند و دوا و درمان شوند، به ویژه که دارو ها را هم همین جا رایگان می دهند.

مریم ملا میری با اشاره به مشکلات محله شان ادامه می دهد: ای کاش خیران در محله ما درمانگاه شبانه روزی می ساختند. قرار بود در زائر سرا بر ایمن شفاخانه ای بسازند، اما هنوز اتفاقی نیفتاده

هزینه ای ندارد

مریم قربانی با دو دخترش در صف انتظار نشسته است تا نوبتشان بشود. او هم از آمدن این تیم جهادی راضی است. آن طور که تعریف می کند، وضعیت مالی چندان مناسبی ندارند و یک هفته ای است که دختر هشت ساله اش بیمار است. از همسایه اش شنیده است که دکتر به اینجا آمده برای همین چیه هایش را برای ویزیت آورده است. نگاهش به پزشک است و گاهی به دخترش، نگرانی را به خوبی می توان در چهره اش دید. صدای پزشک بلند می شود: «نفر بعدی». قربانی دست دخترانش را می گیرد و به سمت پزشک می رود. انگار خانم دکتر هم متوجه نگرانی او شده است، سر صحبت را با او باز می کند و قبل از هر چیزی آرامش می کند تا نگرانی اش بر طرف شود. پس از معاینه نسخه ها را به دستش می دهد و می گوید: «برو دارو ها را بگیر». مریم سرش را پایین می اندازد و می گوید: «چقدر می شود خانم دکتر؟» او دست مریم را در دستش می گیرد و با لبخندی که بر لب دارد، جواب می دهد: «هزینه ای ندارد، برگه را بده به همکاران من، دارو ها یت را می دهند.»

مریم تابا خانم دکتر صحبت کنم، اما هر چه صبر می کنم، فرصت نمی شود. پشت سر هم مشغول ویزیت بیماران است. اصرار ما را که می بیند، می خندد و می گوید: بنویس «خادم امام رضا(ع)» و دیگر هیچ. «نفر بعد را صدای زنده...»

کار جهادی زکات علم است

محمد حسن آبی پزشک است و حدود ۲۵ سال از خدمتش می گذرد. او برای خدمت به مردم با گروه های جهادی همکاری می کند و این کار را وظیفه خودش می داند. آبی می گوید: کار جهادی زکات علم است. رضا صالحی منظر، دستیار فوق تخصص کلیه و فشار خون، نیز یکی دیگر از پزشکان شرکت کننده در این برنامه است.

است. دسترسی ما به مراکز درمانی محدود است. هفته گذشته حدود ساعت یک صبح، مادر شوهرم حالش بد شد. شانس آوردم پسر من نزدیک ما بود. با او تماس گرفتم که بیاید و او را به بیمارستان ببریم. اگر پسر من نبود یا ماشین نداشتیم، نمی دانم آن موقع شب چکار می کردیم.

دم در ایستاده است و نوع خدمات را می پرسد. خودش را احمد غلامی معرفی می کند. او که برای درد دندانش به مسجد آمده، شنیده است که جمعه صبح، یک گروه جهادی به مسجد محله می آید به همین دلیل سری به مسجد زده است تا ببیند کاری برایش انجام می دهند یا نه. او هم از نبود مرکز درمانی در روز جمعه در این محله گلایه مند است. از طرفی هم با وجود هزینه های زیاد دندان پزشکی نمی تواند به این مراکز مراجعه کند.

نذر خدمت به زائر و مجاور

از پشت میزش می آید نزدیک ما تا دستگاه قند خون را بردارد. از او می خواهیم خیلی کوتاه به سؤال الاتمان پاسخ دهد. فهمیده برهانی تکنسین فوری های پزشکی است و به دعوت دوستانش در این فعالیت جهادی شرکت کرده است. او ساکن اهواز است و پنج سالی می شود که هر ماه برای خدمت در فوری های پزشکی حرم مطهر رضوی به مشهد می آید و در مدتی که در این شهر است، هر طور بتواند به زائر و مجاور امام رضا(ع) خدمت می کند. این خادم امام رضا(ع) می گوید: عشق به آقا و کمک رسانی به انسان ها ما را به اینجا کشیده است. دوستانم به من می گویند: حوصله داری این همه راه تا مشهد می روی و می آیی؟ «آمان سختی راه را به جان می خرم. نذر کرده ام تا آخرین نفس در این آستان خدمت کنم، عصمت دلیریان، کارشناس مامایی، هفت سالی می شود که به فعالیت های جهادی مشغول است. او که تجربه سی ساله در رشته مامایی دارد، فعالیت های جهادی را متفاوت با هر کاری می داند و می گوید: در این شرایط درد ورنج آدم ها را بهتر حس می کنیم. دلیریان در دارالشفای حرم مطهر هم فعالیت می کند و خدمت به زائر و مجاور را برتر از هر کاری می داند.

او می گوید: دهه کرامت است و تولد دو کریمه اهل بیت(ع). یقین دارم کرامتشان شامل حال ما خواهد شد و با همین نیت در فعالیت های جهادی شرکت می کنم. او با اشاره به بیماران که حضور دارند، می گوید: آن پیرمرد را ببینید، خودش نمی دانست که فشار خون بالا دارد. اگر بیماری اش به موقع تشخیص داده نشود، ممکن است دچار سکته مغزی شود.